

بررسی نقش روسیه در بریکس در راستای تغییر قواعد نظام بین‌الملل بر اساس رویکرد نئورئالیسم

بهمن قنبری زاده *، 41،

97-8-28

چکیده تحولات سریع در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث شده تا کشورها به سمت همکاری و تعامل بیشتر حرکت کنند. این امر به نوبه خود، پیمان‌ها و ائتلاف‌های جدیدی را رقم می‌زند یا ائتلاف‌های پیشین را تقویت یا حتی تضعیف می‌کند. از جمله این ائتلاف‌ها و نهادها بریکس است که بر اساس یک تفاهم بین‌المللی جهت مدیریت بخشی از اقتصاد جهانی تشکیل شده است. روسیه به عنوان عضو اصلی بریکس در صدد است تا جایگاه خود را در نظام بین‌الملل ارتقا بخشد. ساختار نظام بین‌الملل یک متغیر مستقلی است که تمامی بازیگران نظام بین‌الملل در روند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خود باید مدنظر داشته تا تصمیمات‌شان بعد از اتخاذ به مرحله اجراء در آید و با ساختار نظام بین‌الملل منطبق باشد. نئورئالیسم نیز دیدگاهی مشابه با رئالیسم درباره نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی دارد. پس از فروپاشی شوروی، روسیه همواره در پی آن بوده تا خود را به عنوان ابرقدرت جانشین معرفی کند. تلاش‌های این کشور در این زمینه، که زمانی در سراسر دنیا و در تمام جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ایدئولوژیکی با آمریکا رقابت می‌کرد، طبیعی به نظر می‌رسید، اما واقعیت‌های تلخ پسرفت‌های دوره پس از شوروی، تلاش برای رسیدن مجدد به سطح آمریکا را غیرقابل باور و غیرممکن مینمود. این پژوهش در صدد است تا با استفاده از منابع تحلیلی، ضمن تعریف و تبیین ماهیت، به بررسی نقش روسیه در بریکس در راستای تغییر قواعد نظام بین‌الملل بر اساس رویکرد نئورئالیسم بپردازد. واژگان کلیدی: بریکس، قدرت‌های نوظهور، نظام بین‌الملل، نئورئالیسم، ساختار نظام بین‌الملل

کلمات کلیدی : بریکس، قدرت‌های نوظهور، نظام بین‌الملل، نئورئالیسم، ساختار نظام بین‌الملل

[Islamic Azad University, Rasht Branch - Thesis Database](#)

[دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت - سامانه بانک اطلاعات پایان نامه ها](#)